



کربن؛ سرآمد سهروردی پژوهی معاصر در جهان

حسین سیدعرب، پژوهشگر فلسفه گفت: مهم‌ترین بخش از اندیشه‌های سهروردی در غرب به آثار و اندیشه‌های هانری کربن مربوط است.

حسین سیدعرب، پژوهشگر فلسفه گفت: مهم‌ترین بخش از اندیشه‌های سهروردی در غرب به آثار و اندیشه‌های هانری کربن مربوط است. کربن سرآمد سهروردی پژوهی معاصر در جهان است و سهم عمده‌ای در شکل‌گیری نظر معرفت‌شناسی فلسفی به سهروردی در جهان دارد.

به گزارش ایکننا، مراسم بزرگداشت سهروردی، امروز ۹ مردادماه با سخنرانی جمعی از اندیشمندان و به همت انجمن آثار و مفاخر فرهنگی به صورت مجازی برگزار شد. در ادامه متن سخنان حسین سیدعرب، پژوهشگر فلسفه را می‌خوانید که با موضوع «شرق‌شناسی و مواجهه آن با سهروردی؛ جایگاه فلسفه اشراق در غرب» ایراد شده است.

سهم عمده شناخت فلسفه اشراق در غرب، مربوط به کوشش‌ها و تلاش‌های علمی ایرانیان اهل تحقیق و تألیف است که به واسطه آثار آنها طیف وسیعی از غربیان با فلسفه اشراق آشنا شدند. از جمله دکتر سیدحسین نصر که آثار انگلیسی ایشان در مورد اشراق مورد توجه زیادی قرار گرفت و به نحوی رویکرد غربیان به اندیشه‌های سهروردی را به این فلسفه هدایت کرده است. باید از شادروان سیدحسین ضیایی تربیتی یاد کنم که نقش مهمی در تصحیح و ترویج اندیشه‌های سهروردی داشت. ایشان شرح حکمت الاشراق سهروردی را برای نخستین بار تصحیح کردند و در ایران، اروپا و آمریکا مورد توجه قرار گرفت. جریان شرق‌شناسی و تأثیر آن در درک غربیان از اندیشه‌های سهروردی

اما رهیافت فکری غربیان به فلسفه اشراق بدون نسبت آن با جریان شرق‌شناسی ممکن نیست؛ یعنی تمام درک غربیان از اندیشه‌های سهروردی مسبوق به جریان شرق‌شناسی است و این جریان هنوز هم متداول است و امروزه بسیاری از آثار و کتاب‌ها و مقالات در مورد فلسفه سهروردی برگرفته از این جریان است. به نظر می‌رسد کارنامه شرق‌شناسی در رهیافت به فلسفه اشراق بسیار مهم و قابل بررسی انتقادی نیز هست.

به لحاظ منشأ زمانی و نخستین دوره‌ای که به فلسفه اشراق نظر شده است، می‌توانیم از شخصی به نام مکس فورتر یاد کنیم. اینکه عرض می‌کنم شخصی به نام مکس فورتر به این سبب است که او را بسیار کم می‌شناسند، حتی کسانی که به تصحیح آرای سهروردی در غرب و در ایران اشتغال دارند، با آرا و اندیشه‌های مکس فورتر درباره سهروردی ناآشنا هستند. او نخستین کسی است که شرح قطب‌الدین شیرازی بر حکمت الاشراق سهروردی را به دست آورده است و مطالبی درباره آن نوشته و بخشی از اسفار ملاصدرا را به آلمانی خلاصه کرده است.

در پایان اثری که به طور مشترک درباره سهروردی و ملاصدرا دارد، به بخش‌هایی از بررسی مقایسه‌ای این دو متفکر بزرگ مسلمان پرداخته است و در واقع منشأ رویکرد او برگرفته از اندیشه‌ای است که ما امروزه آن را پدیدارشناسی می‌نامیم. او تلاش می‌کند کمتر از جریان‌های سطحی نگر شرق‌شناسی به فلسفه، متأثر باشد و این تلاش او به ثمر نشسته است، به این دلیل که کسانی که به نوشته‌های او مراجعه می‌کنند به واقع درمی‌یابند که تلاش او برای درک اصول فلسفه اشراق سهروردی و تا اندازه زیادی درک اصول حکمت متعالی ملاصدرا در واقع منشأ فکری و فلسفی دارد.

او نخستین جریان سهروردی پژوهی در اروپا را در آلمان آغاز می‌کند. در انگلستان هم فکستون آثاری از سهروردی را به انگلیسی ترجمه می‌کند و همینطور آثاری از سهروردی به زبان ایتالیایی و هلندی ترجمه شده است و می‌توان گفت اقبال شرق‌شناسی به آثار سهروردی بیش از همه به نوشته‌های رمزی و تمثیلی او است و آثار جدی او کمتر در بین مستشرقان و دوستداران اندیشه سهروردی در نظر گرفته شده است. کربن؛ سرآمد سهروردی پژوهی معاصر در جهان

مهم‌ترین بخش از اندیشه‌های سهروردی در غرب به آثار و اندیشه‌های هانری کربن مربوط است. کربن سرآمد سهروردی پژوهی معاصر در جهان است. در حقیقت امروزه فلسفه اشراق را در جهان با آثار او که عمدتاً به فرانسه نوشته شده و بخش عمده آن به انگلیسی ترجمه شده و غالب این آثار در ایران نیز به اهتمام دوستداران اندیشه سهروردی به فارسی ترجمه شده است، شناخته می‌شود و کربن سهم عمده‌ای در شکل‌گیری نظر معرفت‌شناسی فلسفی به سهروردی در جهان دارد.

حتی تلاش های او جریان سهروردی پژوهی در ایران را متأثر کرد. به این دلیل که او نخستین کسی بود که آثار فلسفی سهروردی را از جمله حکمت الاشراق و تلویحات و آثاری را که جزء نوشته های رمزی و تمثیلی او می دانند، تصحیح کرد و در اختیار محققان ایرانی قرار داد. تا قبل از کربن هنوز این آثار منتشر نشده بود؛ لذا کربن در بخش دوم از آثار خود به تفسیر اندیشه های سهروردی می پردازد. این تفسیر از جهات متعددی مورد توجه است و تاکنون بررسی عمیقی در مورد آن صورت نگرفته است. نگاه کربن به سهروردی کاملاً فلسفی است و سهروردی را براساس منزلت او در تاریخ فلسفه بررسی می کند و این بررسی نشان می دهد او پرسش هایی از این اندیشه را قابل طرح می داند که برای پاسخ یافتن آن باید به فلسفه یونان و جریان فلسفه نوافلاطونیان و اندیشه های فلسفی در ایران کهن با عنوان حکمت خسروانی و همچنین جریان فلسفه اسلامی مراجعه کرد. کربن برای تفسیر فلسفه سهروردی به این ادوار مختلف در تاریخ فلسفه اسلامی که قائل به تاریخ فلسفه عمومی است می پردازد و در واقع به وحدت ادوار تاریخ فلسفه معتقد است.

او سهروردی را به عنوان نماینده فلسفه ایرانی معرفی می کند و عقیده دارد همان نقشی را که افلاطون در تاریخ فلسفه عمومی دارد، سهروردی در تاریخ فلسفه اسلامی دارد و او را افلاطون فلسفه جهان اسلامی می نامد. کربن در تفسیری که از فلسفه سهروردی می کند، کمتر به جنبه های فلسفی اندیشه او یعنی اصول تفکر سهروردی می پردازد و بیشتر به جنبه هایی از اندیشه او نظر دارد که مورد علاقه کربن است.

حاصل رهیافت او به اندیشه های سهروردی، در حقیقت گونه ای انطباق تفکر او با جریان فلسفه یونان است. کربن معتقد است که فلسفه در یونان اصالت دارد و ادوار فلسفی به نحوی مقرب اندیشه های بزرگان در یونان بودند و همینطور جریان فلسفه اسلامی در ادوار نخست آن به نمایندگی از فارابی و ابن سینا و ابن رشد و غزالی و سهروردی متأثر از این جریان است و کمتر به ابداعات آنها نظر دارد. مواجهه کربن موجب شده کمتر به ابداعات سهروردی توجه کند و او را در نسبت با اندیشه های نوافلاطونی تلقی کند و بعدها که فلسفه اشراق را به جریان عظیم فلسفه اسلامی وصل می کند، به نحوی او را با جریان های باطنی از جمله اسماعیلیه و شیخیه مربوط می کند.

باید عرض کنم که شیوه مواجهه کربن دست کم در نتایج کمتر منطبق با اصول فلسفه اشراق، به نحوی که در تفسیر حکمای ایرانی از این فلسفه آمده است، محسوب می شود. فلسفه اشراق در غرب هنوز هم از موضوعات اصلی جریان شرق شناسی است و استادان و دانشجویان بسیاری به تحقیق و تصحیح آثار سهروردی اشتغال دارند. امیدواریم آثاری که از این جریان به دست می آید، اولاً موجب شکوفایی و رونق فلسفه اسلامی و فلسفه اشراق در مرحله ثانی باشد.